

نژاد دیگری بودند، نژاد «کاسیایا» و «شیشوها» به گفته یک انگلیسی، تنها راه مدیریت و کنترل آنان تشریدن و آوار عاب بود.» بی تردید می توان قرارداد نفتی ۱۹۳۳ را زیان بارترین قرارداد نفتی تاریخ ایران نامید. این قرارداد فاجعه آمیز که ضررهای فراوانی برای اقتصاد و جامعه ایران به همراه داشت توسط کسی بسته شد که مدعی میهن پرستی بود و برخی رسانه های امروزی در پی تظہیر و بزرگ کردن او هستند. به هر حال رفتارهای استعمارگرانه انگلیسی ها، سلسله ای از اعتراضات ایرانیان را برانگیخت که نهایتاً به ملی شدن صنعت نفت انجامید. قانونی که در ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۲۹ به تصویب نهایی رسید و هر نوع واگذاری امتیاز صنعت نفت به بیگانگان را ممنوع کرد.

سیاست های نفتی ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تغییر کرد. با وجود آن که بر اساس قانون ملی شدن صنعت نفت، واگذاری امتیاز نفت ایران به بیگانگان ممنوع بود و دولت ایران تنها مجاز بود از کارشناسان و شرکت های خارجی به عنوان پیمانکار استفاده کند، اما حدود یک سال پس از سقوط دولت ملی مصدق، دولت زاهدی با حمایت شاه، قرارداد موسوم به کنسر سیوم را برای واگذاری امتیاز استخراج و بهره برداری نفت ایران منعقد کرد. زاهدی رابطه با انگلیس را که در زمان دولت مصدق قطع شده بود مجدداً برقرار کرد. مذاکرات واگذاری امتیاز بهره برداری از منابع نفتی ایران از ۲۲ فروردین ۱۳۳۳ و با سرپرستی دکتر علی امینی، وزیر اقتصاد و دارایی کابینه زاهدی، آغاز شد. انگلیسی ها در قرارداد جدید نفتی هم منافع عمده ای به دست آوردند. ظاهر آ قرارداد کنسر سیوم به صورت ۵۰-۵۰ میان ایران و شرکت های بزرگ نفتی امضا شده بود. شرکت نفت انگلیس و ایران، با وجود سابقه منفی گذشته، همچنان بیشترین سهم را میان شرکت های حاضر در قرارداد به دست آورد. این شرکت ۴۰ درصد امتیاز و اگذار شده را در اختیار داشت. شش شرکت آمریکایی نیز مجموعاً ۴۰ درصد امتیاز و اگذار شده را در اختیار داشتند و باقی منافع امتیاز میان یک شرکت هلندی (۱۴ درصد) و شرکتی فرانسوی (۶ درصد) تقسیم شده بود. قرارداد

کنسر سیوم نسبت به قرارداد ۱۹۳۳، از حجم و ظرایف حقوقی بیشتری برخوردار بود. به نظر می رسید تلاش رژیم شاه در تنظیم قرارداد بیشتر به سمت حاکم جلوه دادن ایران بر مسائل نفتی خود استوار بوده است. شاه، که با انعقاد قرارداد کنسر سیوم، عملاً موضوع ملی شدن صنعت نفت و ثمره تلاش ها و مجاهدت های مردم را با چالشی جدی روبه رو کرده بود، می کوشید موضوع واگذاری امتیاز را تحت الشعاع منافع جدید نفتی ایران، که بیش از منافع قبلی در قرارداد هایی مانند ۱۹۳۳ و دارسی بود، قرار دهد. با این حال مطالعه قرارداد، با وجود ابهامات فراوانش، نشان می داد که شرکت ملی نفت ایران، عملاً نقشی بر عهده نداشت. مطابق بندیک ماده ۴ قرارداد کنسر سیوم، اکتشاف و تمام حقوق و امتیازات مربوط به تولید و اجرای عملیات مربوط به آن، تصفیه و امور مربوط به توسعه و بهره برداری از صنایع پتروشیمی، انبارداری، بسته بندی و حتی بارگیری در کشتی ها و صادرات محصولات، به شرکت های عضو کنسر سیوم واگذار شده بود. به علاوه کنسر سیوم فعالیت اکتشاف را با هزینه دولت ایران انجام می داد. نگهداری حساب های مربوط به نفت بر عهده کنسر سیوم بود و با وجود حضور نماینده ای از شرکت ملی نفت ایران، اعضای کنسر سیوم می توانستند بخش عمده ای از اسناد مالی را پنهان کنند؛ ضمن این که طبق ماده ۱۰ این قرارداد، پرداخت هایی که شرکت های عضو کنسر سیوم به هم داشتند نیز جزو هزینه ها منظور و در سود نهایی محاسبه می شد. کنسر سیوم می توانست از تمام تأسیسات صنایع نفت ایران، که در دوره قرارداد ۱۹۳۳ ایجاد شده بود، با حفظ مالکیت ایران بر این تأسیسات، استفاده کند. طبق قرارداد جدید، حدود حوزه امتیاز و شعاع عملیات کنسر سیوم شامل قسمتی از خاک بلوچستان، قسمت جنوبی استان کرمان، تمام استان فارس، قسمت جنوبی استان اصفهان، تمام استان های خوزستان و لرستان، بروجرد، ملایر، صفحات جنوبی استان کرمانشاه، جزایر خارک، کیش، قشم، هرمز، شعیب، هنگام و چند جزیره کوچکتر در جنوب کشور بود. بر اساس ماده ۹ قرارداد، کنسر سیوم حق بهره برداری از منابع

آب حوزه فعالیت خود را به دست آورد. همانند قرارداد ۱۹۳۳، استفاده از اراضی حوزه فعالیت برای کنسر سیوم ایگان بود. کنسر سیوم بابت مصارف داخلی نفت خود مورد بازخواست قرار نمی گرفت و اجازه داشت با پرداخت مبلغی معادل ۵ درصد قیمت واقعی به ایران، از منابع گازی موجود در میدان های نفتی استفاده کند. جالب این جاست که همین مبلغ ناچیز هم پس از کسر هزینه استخراج به ایران پرداخت می شد. در برابر این امتیاز گسترده، کنسر سیوم موظف بود از شیوه های نوین مهندسی استفاده کند؛ تا جایی که امکان دارد، با تصمیم کنسر سیوم، ایرانیان بیشتری به خدمت گرفته شوند (برای این موضوع هیچ پیش فرضی وجود نداشت)؛ کنسر سیوم موظف به آموزش تعدادی از کارشناسان ایرانی بود؛ ایران حق محدود اکتشاف و استخراج نفت را در مناطقی که به تشخیص کنسر سیوم، مقرون به صرفه نبودند، پیدا می کرد. این همان قراردادی است که فضل ا... زاهدی درباره اش گفته بود: «ما با این قرارداد توانستیم کلاه بزرگی سر انگلیس و آمریکایی گذاریم.» قرارداد کنسر سیوم در مجلس هجدهم به تصویب رسید. مجلسی که نمایندگانش پس از کودتای ۲۸ مرداد انتخاب شده بودند. ظاهر آ «محمد درخشش»، نماینده تهران، تنها کسی بود که علیه قرارداد سخنرانی کرد؛ اما فایده ای نداشت. روز ۲۹ مهرماه سال ۱۳۳۳، مجلس بدون فوت وقت، قرارداد کنسر سیوم را تصویب کرد؛ تنها پنج نماینده مخالف این قرارداد بودند.

((سن موریتس))؛ مهر تأیید بر حضور بیگانگان

با امضای قرارداد کنسر سیوم (معروف به امینی - پیچ)، نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران شکست خورد. اگر چه دستاوردهای این نهضت در کسب امتیازات و منافع بیشتر برای ایران، در قرارداد های نفتی بعدی، مؤثر بود؛ اما مهمترین آرمان مردم ایران، یعنی استقلال کامل صنعت نفت و تسلط کامل ایرانیان بر ثروت های خدادادی کشورشان، محقق نشد. انگلیسی ها به دلیل در اختیار داشتن دو پنجم سهام شرکت «داج شل»، به

جدول مقایسه دو قرارداد نفتی دوره پهلوی		
موضوع مقایسه	قرارداد نفتی ۱۹۳۳	قرارداد نفتی کنسر سیوم (بعد از کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت مصدق)
زمان انعقاد	خرداد ماه ۱۳۱۲	مهر ماه ۱۳۳۳
پایان قرارداد	خرداد ماه ۱۳۷۲ (۶۰ ساله)	مهر ماه ۱۳۵۸ (۲۵ ساله)
طرف ایرانی	رضاخان	محمد رضاییپهلوی
مذاکره کنندگان	محمد علی فروغی، علی اکبر داور، حسن تقی زاده، حسین علاء	علی امینی، فتح... نوری، بیات
طرف خارجی	شرکت نفت انگلیس و ایران	شرکت نفت انگلیس و ایران، ۶ شرکت آمریکایی، یک شرکت هلندی و یک شرکت فرانسوی
محدوده جغرافیایی فعالیت	۶ حوزه نفتی به انتخاب انگلیسی ها، جمعاً به مساحت ۲۶۰ هزار کیلومتر مربع از خاک ایران	قسمتی از خاک بلوچستان، قسمت جنوبی استان کرمان، تمام استان فارس، قسمت جنوبی استان اصفهان، تمام استان های خوزستان و لرستان، بروجرد، ملایر، صفحات جنوبی استان کرمانشاه، جزایر خارک، کیش، قشم، هرمز، شعیب، هنگام و چند جزیره کوچک تر در جنوب کشور
امتیازات قرارداد	امتیاز «انحصاری» اکتشاف، استخراج (در ۶ حوزه نفتی انتخاب شده) و تهیه، توزیع و صادرات نفت و فرآورده های آن اعطای رایگان زمین های بایر به شرکت حق «غیر انحصاری» شرکت در بهره برداری از منابع گچ، شن و آهک حوزه های نفتی معافیت مالیاتی تمام مستملکات و نیز صادرات نفتی و درآمد شرکت الزام شرکت به استفاده از کارگران غیر فنی ایرانی و آموزش به تعدادی از این کارگران برای فراگیری فنون مربوط به صنعت نفت محرومیت ایران از صدور نفت و فرآورده های آن واگذاری وسایل و ساختمان های شرکت پس از پایان قرارداد به ایران	اکتشاف و تمام حقوق و امتیازات مربوط به تولید و اجرای عملیات مربوط به آن، تصفیه و امور مربوط به توسعه و بهره برداری از صنایع پتروشیمی، انبارداری، بسته بندی و بارگیری در کشتی ها و صادرات محصولات انجام فعالیت اکتشاف با هزینه دولت ایران استفاده از تمام تأسیسات صنایع نفت ایران، که در دوره قرارداد ۱۹۳۳ ایجاد شده بود، با حفظ مالکیت ایران استفاده رایگان از اراضی حوزه فعالیت استفاده از منابع آب موجود در حوزه فعالیت حق محدود اکتشاف و استخراج نفت توسط ایران را در مناطقی که به تشخیص کنسر سیوم، مقرون به صرفه نبودند اولویت استخدام و آموزش نیروی ایرانی حسب نیاز و شرایط کاری کنسر سیوم
سهم ایران از سود سالانه	۴ شیلینگ برای هر تن نفت، به صورت مقطوع تا پایان قرارداد	۵۰ درصد
نحوه خاتمه یافتن	ملی شدن صنعت نفت ایران	قرارداد نفتی کنسر سیوم دوم در سال ۱۳۵۲